



سوره الفاتحه

پویایی گروه



پویایی گروه عبارت است از رشته ای تحقیقاتی که هدفش پیشبرد دانش انسان در مورد گروه ها، قوانین تکوین و تحول آنها و روابط متقابل گروه ها با افراد، دیگر گروه ها و مؤسسات بزرگ است.

گروه

گروه عبارت است از دو یا چند نفر که به هم وابسته اند و با تعامل اجتماعی، بر یکدیگر تأثیر می گذارند.

کشف گروه‌ها

رشته پویایی گروه در دوره پنجاه ساله ۱۸۹۰ تا ۱۹۴۰ پدید آمد. در این دوران عده ای از روان شناسان، جامعه شناسان و متخصصان سایر حوزه‌های مربوطه به گروه‌ها علاقه مند شدند. روان شناسان و جامعه شناسان تقریباً در اوایل قرن بیستم به طور هم زمان گروه‌ها را «کشف» کردند. جامعه شناسانی که در صدد تبیین نقش نظام‌های دینی، سیاسی، اقتصادی و آموزشی در حفظ جامعه بودند به نقش گروه‌ها در حفظ نظم اجتماعی اشاره کردند. برای مثال امیل دورکهم اظهار می داشت فردی که عضو گروه دوستان، خانواده یا هم کیشان نیست بی هویت می‌شود و بیشتر احتمال دارد خودکشی کند. همچنین چارلز هورتون کولی بر نقش مهم **گروه‌های اولیه** تأکید داشت یعنی گروه‌های کوچکی که در آن‌ها تعاملات رو در رو، وابستگی متقابل و همانند سازی شدید اعضا با گروه به چشم می خورد. به نظر کولی گروه‌های اولیه چون خانواده، گروه هم بازی‌ها و گروه همسالان صمیمی اساس تشکیل ماهیت اجتماعی و افکار و عقاید افرادند.

تعریف و خاستگاه پویایی گروه

پویایی گروه قدرت و نیرویی است که موجبات دگرگونی و تحول گروه را فراهم ساخته، مسیر حرکت و جهت پیشرفت گروه را تعیین می کند

هر مطالعه ای در پویایی گروه مستلزم توجه دقیق به این امر است که رفتار فرد سخت تحت تاثیر ویژگیهای گروه است.



دورکیم در مورد رفتار گروهی چنین می گوید: عقاید فرد در جریان ترکیب اجتماعی - روانی حاکم بر گروهها تغییر می یابد و در نتیجه یک واقعه و رویداد گروهی اتفاق می افتد که نمیتوان آن را تحت عنوان جریانها و پویسهای روانی فرد توجیه کرد

موضوع اصلی پویایی گروهی از نظر براون عبارت است از: همکاری، همانندی، رقابت، کشمکش

انریو و مارتین معتقدند برای اینکه تجمع افراد به صورت گروه درآید لاقلاً در وهله اول تمایلاتی که اعضا بطور مشترک دارند به قدری باید قوی باشد که این تمایلات بصورت عمومی درآید و این هنگامی صورت میگیرد که اعضای گروه کشف کنند که همبستگی لازم بین آنها، این تمایلات را ارضا می کند و این کشف در تاریخ انسانها به این صورت ثبت گردیده: یکی برای همه و همه برای یکی

روانشناسی اجتماعی و کار گروهی:

روانشناسی اجتماعی را به مطالعه فعالیتهای فردی که از افراد دیگر متاثر است تعریف می کنند. افراد ممکن است به صورت انفرادی یا بصورت گروهی در فرد تاثیر کنند یعنی دیگران یا مستقیما باحضور خود در پیرامون فرد و از نزدیک یا بطور غیر مستقیم و از راه شیوه های رفتاری فرد را تحت تاثیر قرار دهند

روانشناسی اجتماعی که به آن علم آمریکایی می گویند می کوشد که روابط معنوی و اجتماعی اعضای گروهها را بررسی کند زیرا افراد گروه کم و بیش افکار و رفتار مشابهی دارند و به نحوی از انجا احتیاجات مشترکی نیز دارند و به علت این اشتراک در وضع مشابهی قرار میگیرند

هر گروهی بر اثر روابطی که بین اعضای آن برقرار است و فعالیت مشترکی که انجام می دهند دائما در حال تحرک و تحول است و این تحول و تحرک را پویایی گروهی می نامند گروهها از لحاظ پویایی همپایه نیستند عواملی مانند شخصیت افراد گروه، آداب و رسوم اجتماعی، وضع تمدن، آموزش و پرورش و ... در پویایی گروهها تاثیر میگذارد

انگیزش کار، روابط انسانی کار:

نظریه انگیزش کار کوشش دانشمندان و محققین برای افزایش مهارت و لیاقت و کارایی در سازمانها نظریه کلاسیک را در مورد اداری به وجود آورد که به آن مدیریت علمی می گویند.

فردریک تیلور، نظریه انگیزش را مطرح نمود که از نظر او انگیزه افزایش مهارت و لیاقت کارایی کارکنان و کارمندان مبتنی بر پاداشهای مالی است.

در مدیریتهای علمی، مطالعه قابلیت‌های جسمی کارمندان در زمان و حرکت، مطرح است در مدیریت علمی اصل بر این است که پاداشهای مادی با کوششهای کارگرد در ارتباط مستقیم قرار دارد به عبارت دیگر کارگران در صورت کافی بودن پاداش مادی با حداکثر توانایی جسمی خود پاسخ خواهند داد.

نظریه روابط انسانی:

این نظریه همچون عکس العملی در برابر نظریه مدیریت علمی به وجود آمد. روابط انسانی که به آن سازمان غیر رسمی نیز میگویند در امریکا مطرح شد

التون مایو نظریه روابط انسانی را که بر خلاف مدیریت علمی، روی عناصر عاطفی پیش بینی نشده و غیر عقلایی رفتار سازمانی تکیه دارد، مطرح نمود.

نظریه روابط انسانی، اهمیت دوستی و گروه بندیهای اجتماعی و عاطفی کارگران را در کارایی و پیشرفت سازمان آشکاراخت و همچنین، اهمیت رهبری و کنشهای متقابل عاطفی و مشارکت افراد در امور سازمانی را مطرح نمود.

بنیانگذار مکتب روابط انسانی: التون مایوست اما جان دیویی بطور غیر مستقیم و کورت لوین بطور مستقیم درارائه و تحول نظریه روابط انسانی نقش مهمی دارند.

مایو و همکارانش کشف کردند:

مقدار کاری که هر کارگر انجام می دهد با قدرت جسمی وی تعیین نمی گردد بلکه عامل تعیین کننده ظرفیت اجتماعی و شرایط گروهی کار است.

پاداشهای غیر اقتصادی و ایجاد انگیزش و خوشبختی کارگر سهم مهمی به عهده دارند برترین تخصص به هیچ وجه، موثرترین شکل تقسیم کار نیست

کارگران در برابر دستگاه مدیریت و فورمها و پاداشهای آن به صورت اعضای گروهی همبسته و اکنش نشان می دهند نه بصورت جداگانه

مهمتر از همه تاثیر گفت و شنود، مشارکت و رهبری است

بدین ترتیب نظر روانشناسان و جامعه شناسان به ویژه روانشناسان اجتماعی و روانپزشکان، به مطالعه رفتار گروهی و فعالیتهای گروهی جلب شد.

کورت لوین دانشمند آلمانی و مورنو پزشک اهل رومانی از مشهورترین محققینی هستند که اولی بنیانگذار مراکز پژوهش گروهی آمریکا و پایه گذار رشته پویایی گروه است و دومی بنیانگذار تکنیک سوسیو متری در مطالعه علمی پویایی گروهی است که با این ترتیب می توان گفت خاستگاه اصلی پویایی گروه جامعه آمریکاست.

مدیریت و پویایی گروه

برترین مهارت مدیر و وظیفه اصلی او، ایجاد توازن برای سلامت و بقای سازمان است که باید در این راه " به هنر آگاه بودن به پیچیدگی های روح بشر در جهت هدایت افراد و دانش و تخصص برای به کار گرفتن اشیاء و ابزار (عناصر مادی) مجهز باشد.

بواسطه شناخت این پیچیدگی های روحی بشر، مکتب روابط انسانی شکل گرفت و مدیریت به این نتیجه رسید که این روح پر رمز ابعادی دارد که خواه ناخواه سازمان را متأثر می سازد و برای نیل به اهداف سازمان چاره ای جز بهره گیری از علوم رفتاری و شناخت ابعاد آن نیست

در سازمان های جدید به انسان و عامل انسانی بهای بسیار داده می شود. انسان ها سرمایه های سازمان تلقی می شوند و مدیریت استعدادها و توانهای انسانی اهمیت خاص می یابد

نقش گروه در فرآیند رهبری:

رهبری فن بهتر بسیج کردن و بهتر سازمان دادن و بهتر کنترل کردن نیروهای انسانی و به کاربردن آنهاست.

نقش افراد در توفیق رهبری مهم و تعیین کننده است چنان که باید گفت: رفتار و روحیات انسانها دارای قوانین یا مکانیسم های فعل و انفعالات جمعی است که اگر بخواهیم با آنها کار کنیم باید مکانیسم و قوانین حاکم بر رفتار آنها را بشناسیم. رهبری در واقع مهندسی انسانی است.

در رهبری سخن از دو چیز است یکی افراد و گروهها و دیگری تحقق اهداف. در واقع "ارتباطی است بین گروهی از افراد که در آن يك نفر می کوشد تا دیگران را به سمت هدف معین سوق دهد."

با اهمیت بیشتری که می توان برای گروه قائل شد شاید بتوان گفت رهبری خدمتی "است که برای تامین مقاصد گروه صورت می گیرد.

جهت اطلاع

گروه، مترادف Groupe در زبان فرانسه است که خود از واژه ایتالیایی Gruppo به معنای گره، حلقه، عقده و بسته آمده است و ظاهراً به مجموعه افراد و اشیای گردآمده در يك محله گفته می‌شود. در زبان فارسی، گروه دارای مفاهیم: دسته، جمع، فرقه، جمعیت و مجموعه‌ای از اشخاص است و درباره حیوانات و اشیاء واقع و مستقر در يك محل، موضع، موقع و... نیز اطلاق می‌گردد».

جامعه‌شناسان درباره تعریف مفهوم گروه توافق ندارند به هر حال شاید پذیرفته‌ترین تعریف گروه را بتوان به صورت زیر ارائه کرد: «گروه مرکب از تعدادی از انسانهاست که با یکدیگر روابط متقابل داشته، از عضویت خود در یک جمع (که اعضای آن از یکدیگر انتظار اعمال و رفتار مشترکی دارند)، آگاهند».

گروه اجتماعی عبارت از تجمع دو یا عده‌ای افراد است که بیشتر بوسیله نیروی پیوندبخش (وجه شبه) با یکدیگر ارتباط دارند و میان آنها کنش متقابل اجتماعی برقرار است. انسانها دائماً با یکدیگر در ارتباطند و این ارتباط به اشکال گوناگونی مانند زن و شوهر، خانواده، جمع دوستان، همسایگان، باشگاههای ورزشی و تشکیلات متعدد متجلی می‌شود. این ارتباطات به هر شکلی که ظاهر شود گروهی را تشکیل می‌دهد که شامل افرادی با تجربیات، وابستگی‌ها و خواسته‌های مشترك است. «به زبان ساده‌تر، افراد در عین حال که فردیت خود را حفظ می‌کنند، به عنوان عضو يك گروه، خود را "ما" نیز می‌خوانند. مفهوم "ما" نشان می‌دهد که فرد خود را متعلق به يك گروه می‌داند».

فرق گروه اجتماعی با شبه گروه

برای واضح تر شدن مفهوم گروه اجتماعی باید آن را با پدیده اجتماعی مشابهی که از آن تحت عناوین «شبه گروه»، «گروه اتفاقی» یا گروه بی شکل نام می برند متمایز کرد. در شبه گروه تعداد و دارا بودن لااقل یک خصوصیت مشترک مطرح است و به هیچ عنوان وجود ارتباط و پیوند رسمی یا غیر رسمی بین افراد مطرح نیست. شبه گروه به 4 دسته تقسیم می شود: دسته، تجمع (جماعت)، انبوه خلق و عامه (حضر). هرگونه اجتماع طبیعی مردم در کنار هم را "تجمع" می گویند؛ مانند مسافرین هواپیما یا اتوبوس. تجمع ممکن است بعد از مدتی به گروه تبدیل شود. "دسته" تعدادی از افرادی هستند که صرفاً یک ویژگی مشترک دارند مانند دسته ای از افراد بلندقد یا افراد متولد یک سال مشخص که به آنها راه هم گفته می شود. انبوه خلق، اصطلاحی که توسط گوستاو لوبون مطرح شده و از مشخصات آن وجود احساسات و هیجانات آنی، نداشتن تشکل و سازمان منسجم، ناپایداری روابط به دلیل احساسی بودن، نداشتن طرح قبلی و ... است. عامه مردم یا حضر مفهومی است که نسبت به انبوه خلق نزدیکی و شباهت بیشتری با گروه دارد. وسعت آن از انبوه خلق بیشتر است. تشکیل عامه مردم اتفاقی نبوده و با تصمیم و طرح قبلی است افراد زمینه عاطفی مشترک دارند فرصت تلقین پذیری در حضر کمتر از انبوه خلق است.

THE END

همیشه به آنچه در خیالت میبافی اعتماد داشته باش چون روزی می آید که به واقعیت زندگی ات تبدیل می شود...

